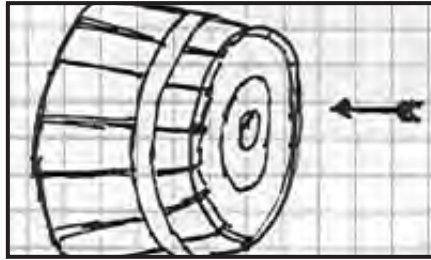


شناسایی هدف

هر کشوری متناسب با شرایط اقتصادی و سیاسی خود باید مناسب‌ترین روش هدفگیری و شناسایی گروه‌های هدف پرداخت یارانه را انتخاب کند.



یارانه مهم‌ترین ابزار اقتصادی جهت حمایت از اقشار آسیب‌پذیر محسوب می‌شود. اما کارایی ابزار یارانه تنها در صورتی قابل دستیابی است که بتوان یارانه‌ها را به گونه‌ای هدفمند و با بکارگیری مکانیزم‌های دقیق اختصاص یارانه به گروه‌های هدف، توزیع نمود. در ایران نیز همواره برنامه هدفمند کردن یارانه‌ها موقوف به شناسایی دقیق افراد آسیب‌پذیر و شناسایی دهک‌های پایین درآمدی شده است. در این راستا، توجه به مکانیزم‌های مختلف هدفگیری و میزان کارایی آنها با توجه به تجارب دیگر کشورها، می‌تواند نتایج سودمندی را در پی داشته باشد. روش‌های مختلف هدفگیری را که با بکارگیری آنها سعی می‌شود تا تخصیص یارانه‌ها به گروه‌های مورد نظر و برنامه‌ریزی شده سوق یابد، می‌توان به سه دسته شامل ارزیابی خانوار/ فرد، ارزیابی طبقه‌ای و روش خود هدفگیری تقسیم نمود.

ارزیابی خانوار/ فرد

روش ارزیابی خانوار/ فرد بر اساس سه نوع روش متمایز شامل آزمون وسیع، آزمون تقریب وسیع و هدفگیری اجتماعی صورت می‌گیرد.

۱) **آزمون وسیع (یا تعیین سطح درآمدی):** این روش شکلی از ارزیابی فردی است که به بررسی درآمد تحت اختیار افراد یا خانوارها یا هزینه‌های آنان می‌پردازد. در این روش، یک مقام رسمی (معمولاً شاغلان دولتی) مستقیماً به ارزیابی خانوار به خانوار و یا فرد به فرد - صرف نظر از واجد شرایط بودن آنها - می‌پردازند. این ارزیابی به سه شکل عمده انجام می‌گیرد. در شکل اول، درآمد توسط شخص ثالث تأیید می‌شود. در شکل دوم، متقاضی مدارکی جهت اثبات درآمد یا شاخص‌های رفاه نسبی ارائه می‌نماید. در شکل سوم نیز از مصاحبه ساده برای جمع‌آوری اطلاعات استفاده می‌شود. گفتنی است، اثربخشی هدفگیری بر مبنای آزمون وسیع عمدتاً به توانایی جمع‌آوری اطلاعات معتبر در خصوص درآمد کل و سطوح هزینه وابسته است، لذا این روش برای کشورهایی با ظرفیت‌های اجرایی محدود، چندان مناسب نیست. در یکی از برنامه‌های انتقال نقدی در مناطق شهری موزامبیک (برنامه GAPVU)، این روش بکار گرفته شد که تجربه چندان موفق نبود، به طوری که به صورتی نابرابر و همراه با فساد (از طریق وارد نمودن اسامی جعلی در لیست‌های ذینفعان) به مرحله اجرا درآمد.

۲) **آزمون تقریب وسیع (تعیین سطح نسبی):** در این روش امتیازی را برای هر خانوار بر اساس تعدادی از ویژگی‌های مشاهده شده و وزن و درجه اهمیت این ویژگی‌ها اختصاص می‌دهد. ویژگی‌ها می‌توانند شیوه تغذیه خانوارها و نوع اقلام مصرف شده، کالاهای مصرفی یا لوکس مورد استفاده، امکانات تحصیلی که خانوارها برای فرزندان‌شان تهیه می‌نمایند و مواردی از این قبیل باشند. این روش به دلیل دشواری‌های مرتبط

محرومیت در آنها با استفاده از شاخص‌های بسط فقر اثبات شده است، صورت می‌گیرد. به این دلیل، معمولاً این رویکرد به عنوان «نقشه فقر» بیان می‌گردد. گفتنی است، این روش در جایی که فقر به لحاظ فضایی متمرکز نشده است، بسیار ضعیف عمل می‌کند.

نوع دوم ارزیابی طبقه‌ای، هدفگیری جمعیتی می‌باشد. در این روش، تخصیص یارانه‌ها بر اساس گروه‌های تعیین شده مانند سالخورده‌گان، کودکان یا سایر طبقه‌بندی‌های جمعیتی با این فرض که این گروه‌ها به لحاظ میانگین فقیرتر از گروه‌های محروم هستند، صورت می‌گیرد. البته نوسانات بیشماری در سطوح فقر این طبقه‌ها وجود دارد. به عنوان مثال، انتقال فقر میان کودکان پیش‌دستانی لهستانی دو برابر بیشتر از افراد ۶۵ ساله یا سالخورده می‌باشد. البته در جایی که ویژگی‌های جمعیتی همبستگی ضعیفی با فقر دارند، این روش کارا نخواهد بود، اما از لحاظ اجرایی بسیار ساده بوده و از لحاظ سیاسی نیز مورد قبول عموم واقع می‌شود. نمونه بارز این روش در ایران، طرح شیر مدرسه است که از سال ۱۳۷۹ به مرحله اجرا درآمده است.

خود هدفگیری

روش خود هدفگیری یکی دیگر از روش‌های شناسایی گروه هدف است که در آن سعی می‌شود نحوه تخصیص یارانه‌ها به گونه‌ای باشد که افراد ثروتمند داوطلبانه از مصرف یارانه‌ها خودداری کنند. لذا در این روش، یارانه به کالاهایی تعلق می‌گیرد که بیشتر توسط گروه‌های کم درآمد به مصرف می‌رسد. بدین ترتیب این سیاست بیشتر در مورد کالاهای غیرهمگن و با کیفیت‌های متفاوت قابل اجرا می‌باشد. گروه خوراکی‌هایی که تأمین آن برای افراد کم درآمد ضرورت اساسی دارد، از این جمله هستند، چراکه به علت خصوصیت غیرهمگن بودن کالاهای خوراکی، افراد پر درآمد از مصرف موادی با کیفیت پایین خودداری می‌نمایند. بنگلادش یکی از اولین کشورهایی می‌باشد که از این سیاست استفاده نموده است. در این کشور، آرد ذرت به جای آرد گندم با قیمت کم عرضه می‌شود. در تونس نیز روغن خوراکی، شکر و شیر با توجه به سلیقه افراد ثروتمند و فقیر، با کیفیت‌های متفاوت عرضه می‌شود. این سیاست در ایران در مورد برخی از مواد خوراکی مانند گوشت پخ‌زده یا برخی از انواع برنج وارداتی به مورد اجرا گذاشته می‌شود. بهترین روش برای تعیین نوع کالاها استفاده از کسش‌های درآمدی و قیمتی است. در این حالت از کالاهایی که دارای کسش درآمدی منفی هستند، بدان معنی که با بالا رفتن درآمد، مصرف آنها کاهش می‌یابد، می‌توان برای پرداخت یارانه استفاده نمود.

به هر حال، هر یک از روش‌های فوق دارای مزایا و معایب خاص خود می‌باشند. لذا تجویز یک روش خاص برای تمامی کشورها امکان‌پذیر نیست و هر کشور باید متناسب با شرایط اقتصادی و سیاسی خاص خود، به انتخاب روش بهینه اقدام کند.

با جمع‌آوری و تأیید اطلاعات مفصل در خصوص درآمد یا سطوح مصرف خانوار (از طریق روش آزمون وسیع درآمدی)، در بسیاری از کشورهای در حال توسعه بکار گرفته می‌شود. این آزمون ابزار نسبتاً جدیدی در جعبه ابزار هدفگیری به حساب می‌آید. شیلی را می‌توان اولین کشوری دانست که در زمان معرفی برنامه CAS در سال ۱۹۸۰، از این رویکرد استفاده نمود. رویکرد مذکور در دیگر مناطق آمریکای لاتین چون کلمبیا (ابتدا برای بیمه سلامتی مشمول یارانه و سپس برای سایر برنامه‌ها از جمله پرداخت‌های نقدی مشروط و کمک هزینه تحصیلات عالی) و مکزیک (انتقالات نقدی مشروط)، راه‌اندازی و ارزیابی شده است. از سوی دیگر، ارمنستان از سال ۱۹۹۴ از این روش برای ارائه کمک‌های انسان‌دوستانه و انتقالات نقدی و اندونزی برای هدفگیری سهمیه‌های برنج مشمول یارانه استفاده نموده‌اند. ترکیه نیز چنین سیستمی را در سال ۲۰۰۲ به عنوان بخشی از واکنش به بحران‌های مالی خود معرفی نمود.

۳) **هدفگیری اجتماعی:** در این روش، شناسایی گروه هدف توسط مجموعه‌ای از اعضای جامعه یا رهبران انجمن و کسانی که وظایف اصلی آنها در جامعه وابسته به برنامه انتقالی و تصمیم‌گیری در خصوص تعیین افراد استفاده‌کننده از مزایای برنامه نیست، انجام می‌گیرد. مصداق این جوامع در ایران، کمیته امداد امام (ره) و سازمان بهزیستی هستند. این روش در مواقعی که جوامع محلی به وضوح تعریف شده هستند و همچنین در خصوص برنامه‌هایی که برای سهم کوچک جمعیت پیشنهاد می‌شوند و یا برنامه‌هایی که دارای منافع موقتی و یا اندک هستند و نمی‌توانند ساختار اجرایی خود را مورد حمایت قرار دهند، مناسب می‌باشد. برای مثال، در برنامه PROGRESA در مکزیک، ابتدا از یک نقشه فقر برای انتخاب مناطق فقیر استفاده شده، سپس با استفاده از آزمون تقریب وسیع، به جداسازی خانوارهای غیرنیازمند این مناطق پرداخت و پس از آن با استفاده از هدفگیری اجتماعی، فهرست ذینفعان به دقت تنظیم شد.

ارزیابی طبقه‌ای

یکی از روش‌های مورد استفاده در ارزیابی طبقه‌ای، هدفگیری جغرافیایی می‌باشد. در این روش، تخصیص منابع به نواحی جغرافیایی خاصی که فقر و